



۱۴

## پاسخ به ۶ ابهام رایج درباره لبنیات

۱۵

## ورود به بازار کار با کلید مهارت های نرم

## تخریب خاطرات سینمایی مشهدی ها

۱۶



# زندگی

یکشنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۰ شماره ۵۹۸۴



حق با شماست

info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۲۳۰۰۴۴۴۴

### #پارک-دوبل-اندرزگو

ضابطی از تهران:

مشکل پارک دوبل خودروها در خیابان اندرزگو همچنان پابرجاست. پلیس راهنمایی و رانندگی نظارت بیشتری در این خیابان داشته باشد.

### #فاضلاب-بزرگراه

طاهری از تهران:

وجود چندین دریاچه فاضلاب در خروجی بزرگراه شهید همت غرب به شهید حقانی به علت جاگذاری نامناسب، باعث ترافیک و تغییر مسیر ناگهانی خودروهای شود. لطفا رسیدگی شود.

### #پاسداران-آسفالت

طیبی از تهران:

آسفالت خیابان شهید موسوی در محله پاسداران نامناسب بوده و به ترمیم و روکش نیاز دارد. شهرداری محترم منطقه اقدام عاجل کند.

### #انسولین-صف

عابدی از تهران:

صف های طولانی برای دریافت داروهای دیابتی مخصوصا انسولین در داروخانه های مجاز، دردین بیماری را برای بیماران و خانواده هایشان چند برابر کرده است. تا چه زمانی باید این اوضاع اسفبار را تحمل کرد؟

### #بی توجهی-کرونا

سیانکی از تهران:

با وجود شیوع ادامه دار ویروس کرونا، پروتکل های بهداشتی در بعضی مراکز خرید نادیده گرفته می شود.

### #سود-بانکی-بورس

کبیری از شیراز:

افزایش سود بانکی باعث فرار سرمایه گذاران از بورس شده است. این تصمیم بانک مرکزی باز هم به این بازار صدمه وارد کرد.

### #شمشاد-خشکیده

یوسفی از تهران:

آبیاری شمشاد های خیابان حصار ی به فراموشی سپرده شده است. از مدیران شهرداری تقاضا دارم به این مساله توجه داشته باشند، چرا که گرمای شدید خیلی زود این گیاهان را نابود می کند.

### جوابیه

در پی درج پیامی در روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۰/۰۳/۲۴ با عنوان «آبیاری بی موقع فضای سبز» مدیرعامل سازمان بوستان ها و فضای سبز شهر تهران با ارسال نمایی اعلام کرد: با توجه به کمبود شدید منابع آبی، اجرای عملیات آبیاری در فضای سبز شهر تهران طبق زمان بندی مدون و به خصوص در ساعات خنک شب الزامی است و عوامل فضای سبز به گونه ای برنامه ریزی می کنند که همه گونه های گیاهی موجود به میزان مورد نیاز آبیاری شوند.

از بالای تپه سرخه، چند قدم آن سوتر از قبرهای مردگانی که عکس های حجاری شده شان زل می زند به عابران، لابه لای ساختمان های ریز و درشتی که بی خلاف و با خلاف، رو به آسمان بلند شده اند، سخت می شود رد رود دره ها را گرفت. از آن بالا فقط آبی خوش رنگ آب های محصور پشت دیواره بتنی سد لتیان است که دیده می شود و دیگر هیچ. لواسان اما دره داشته، رود داشته، رود دره داشته و حافظه مردمانش هنوز قدمی دهنده این که بگویند رود دره ها از کجا شروع می شدند و به کجا می رسیدند و وقتی زنده بودند چه شکلی داشتند. مرد انگشتش را می گیرد سمت دریاچه سد و کمی ژاویه دست را تغییر می دهد تا برسد به دره موسی، بعد هم به دره سینکی.



مریم خیار

جامعه

دره ای اما نیست، از این بالا هیچ چیز دیده نمی شود مگر انبوه ساختمان هایی که شانه به شانه هم داده و میان درختان سرسبز حیاط ویلاهالمیده اند. مرد اما باز انگشت می گیرد سمت دره موسی. دره نزدیکی های سد بوده، جایی حوالی ده حسن آباد، تیمورآباد، گازکلو، ده سید و زین کوه که وقتی سد لتیان ساخته شد اهالی شان جابه جاشدند و آبادی ها رفتند زیر آب. مرد باز دست می گیرد سمت دره سینکی، دره ای که گرچه از بالای تپه سرخه دیده نمی شود ولی شهرک کلاک نشانه خوبی است برای پیدا کردنش. شهرک کلاک؛ چه اسم پرماجری، از دور رنگش به سیاه و خاکستری می زند و انگار شهری سوخته است. کلاک ذهن را ناخودآگاه می برد پیش حسن نجفی، متهم فراری پرونده اکبر طبری، یک محدوده ۲۰ هکتاری که قبل از انقلاب خانواده ضرغام فر در آن کشاورزی می کرده اند ولی بعد از انقلاب شده است شهرکی خارج از محدوده شهری لواسان که رویای باستی هیلز شدن دارد.

مرد دوباره انگشت می گیرد سمت دره سینکی، به دره ای که نیست، دره ای که نمی بینمش ولی از تپه می بینم پایین تا برویم سمتش، که بدانیم کجاست و حالش چطور است. سرخه دید نداشت. شهرک کلاک آن سوی دره است، نه خیلی دور و نه خیلی نزدیک ولی ویلاهایی که به دره مشرفند خوب دیده می شوند، اغلب با نمایی به رنگ خردلی با الوارهایی که به نظر چوب می رسند. شهرک کلاک مثل یک دژ است و آدم را یاد قلعه های قدیم می اندازد مثل قلعه قهقهه، دیوارهایش هم به قدری حصین است که ذهن می رود سمت سور قسطنطنیه.

دره سینکی جایی است میان شهرک کلاک و مجتمعی که دارد ساخته می شود. دره ای که یکپارچه نیست و رد پای عده ای خرابکار و زمین خوار در آن دیده می شود. ما ایستاده ایم روی زمینی خاکی که گله به گله به رنگ

مرد می گوید جوان که بودیم به دره سینکی می گفتند دره افعی ها ز بس که مار در آن بود. ما که چشم می اندازیم اما نه ماری هست و نه افعی، شاید هم هستند و خریده اند در سوراخی. اما دره آب ندارد، چون درخت ندارد. سایه هم ندارد و شاید مارها گوییده باشند. آن بخش از دره سینکی را که با خاک پر کرده اند می شود مثل یک زمین فوتبال دیدل، دراز و پت و پهن یا مثل یک بل که این ور دره را به ور دیگرش وصل می کند و می شود یک زمین چند هکتاری برای ساخت وساز.

اگر یک پاییز و زمستان بارانی شدید بارد و سیلابی راه بیفتد و آب، راه دره سینکی را پیش بگیرد به دیوارهای که با خاک های دستی ساخته شده، برخورد می کند و چون راه نفوذ ندارد تپه های اطراف را می شوید و این یعنی هم مجتمعی که لبه دره در حال ساخت است و هم شهرک کلاک که مغرورانه در حصار خویش آرمیده در خطرند. اما خشکی هوا، بارانی که نمی بارد و سیلابی که راه نمی افتد و خشکسالی های ممتدی که در ذهن عده ای ابدی شده است، نمی گذارد خطری که دره سینکی را آبتستن حادثه کرده، جدی گرفته شود.

## بفرمایید هتل



نزدیک ویلایی که در لواسان به ویلای علی کریمی مشهور است ویلای شبنم نعمت زاده، دست نخورده پا برجاست. این ویلا نه اشرافی است نه بی سر و ته اما چون تخریب بنا داشت با حکم دادگاه تخریب شد. این ویلا حالا شده محل بیوتوه پرنده ها و گربه ها و شاید سگ های ولگرد.

اما کمی دورتر از لواسان و در جاده ای که به سمت فشم می رود، هتل آریانا سرحال و قیراق درحال اتمام است. نام این هتل سال هاست بر سر زبان ها افتاده و محال است کسانی که از جاده فشم گذشته اند تن بی قواره اش را که سر به آسمان می ساید، ندیده باشند. نمای هتل را سفید کرده و با صفحات مشبک تزئینش کرده اند؛ این کارها تازه انجام شده و سندش نقاشی است که با سر و صورت بسته روی نردبانی بلند رفته و دارد با غلتک، دیوار و سقف ایوان ها را رنگ می زند.

دو سال پیش این هتل ۱۵ طبقه بود ولی اکنون سه طبقه آن تخریب شده و قدش دیگر به بلندی کوه ورجین که به آن مشرف است، نمی رسد. پای هتل اما هنوز در حلق رودخانه جاجرود است، به غولی می ماند که برای آب تنی کنار رودنشسته و وایش را درون آب کرده اما انگار آنها که قرار بود جلوی این غول بایستند با پتنی او کنار آمده اند.

ما که می خواهیم به اطراف هتل سرک بکشیم، کارگر نگاهیانی از اتاق فلزی این بیرون می آید و مانع می شود، ما که می خواهیم از هتل عکس بگیریم هم مسؤول حراست پروژه سر می رسد و می گوید که نگیریم. این دونفر دست و پای ما را می بندند. همان طور که داربست ها، دست و پای ساحل رودخانه ای را که متعلق به همه مردم است، بسته اند. چشم مان عطفش دیدن رودخانه را دارد؛ العطش، العطش.

### ماجرای سیم در دره موسی

سرگیجه می گیریم و سرمان را می اندازیم پایین. ساختمان سفیدی که چند طاق گنبدی کوچک و بزرگ دارد به قدری مرتفع است که نمی شود زمانی طولانی به آن چشم دوخت. آدم باد آسمان خراش های افتند که در برخی شهرهای جهان شهره اند. این ساختمان سفید برای کیست؟ کسی نمی داند ولی یکی از بومی های لواسان که مردی است میانسال می گوید آخرین ساختمان مشرف به سد لتیان متعلق به رئیس جمهور است که شش هفت سال پیش آن را به قیمت ۷ میلیارد تومان گذاشته بودند برای فروش. پیرمردی که معتمد محل است اما نمی داند این حرف چقدر راست است مثل حرفی که دهان به دهان می چرخد و نقل می شود از خواهرزاده رئیس سازمان حفاظت محیط زیست که در تپه سرخه دو قطعه زمین دارد، بودیم در همان ۲۲ هکتاری که جزو منابع طبیعی است ولی زمین خوارها هنوز رویش ادعای مالکیت دارند. ما ایستاده ایم پشت فنس ها، جایی که مردم محلی به آن سیم می گویند و در واقع حریم سد لتیان است. اینجا دره موسی است، دره ای که حتی وقتی کنارش ایستاده ای آن را نمی شناسی چون دیگر دره نیست و هیچ ربطی به رود دره ها ندارد. یک راهنمای محلی می گوید ما که بچه بودیم داخل دره پر از درخت بود، درخت های تبریزی، گوجه و سیب و حشی، چشمه هم داشت و بقیه زمین های کشاورزی بود که زمین پدر بزرگم جزو شان بود.

مرد انگشت می گیرد سمت دیواری سنگی و مستحکم و می گوید دره تا آنجا می رفت و بعد پیچ و تاب می خورد تا پای تپه سرخه. ما نگاه می چرخانیم در مسیر دست مرد تا دره را بجویم ولی نه دره ای هست و نه حتی تپه سرخه پیدا. به جایش ساختمان های متعدد و خیابان ها و کوچه هاست که دره موسی را بلعیده اند. داستان سیمی که بخش هایی از دره موسی قدیم را محصور کرده از زبان پیرمرد های لواسان شنیدنی است. یکی شان می گوید زمانی که این حصارهای فلزی را می کشیدند تا حریم سد لتیان مشخص شود یک عده گردن کلفت که زمین ها و خانه های شان با این حصار آسیب می دید و کوچک می شد پولی دادند و حصار را بردند جلوتر. عده ای هم که حتما پول و قدرتی داشتند مثل صاحب ساختمانی که اکنون مغرور به است فنس را ندیده گرفتند و چند متری از آن جلوزدند و ساختمان را درست در حریم سد ساختند. دره موسی را هم حتما همین پول ها و قدرت ها از بین برده و حتما همین دو قدرت جادویی است که در بخش های بالادست، از دره جویی به عرض حدود یک متر باقی گذاشته که اگر سیلابی به راه بیفتد همان بلا به سر ساخت وسازها می آید که در دره سینکی.

مرد سر تکان می دهد و نجنج می کند و می گوید یادشان رفته که سال ها قبل رودخانه در مسیر لاجو طغیان کرد و سیلاب پل را کند و برد. به دره موسی دوباره نگاه می کنیم؛ آبستن حادثه است انگار.

## اراضی چطور خورده می شود؟

آماری در دست است که مرورش مو به تن راست می کند. آمار متعلق است به یگان حفاظت سازمان ملی زمین و مسکن با این مضمون: از اول تا ۱۰ فروردین ۱۴۰۰ (یعنی چهار ماه قبل و فقط در عرض ۱۰ روز) ۲۱۱ مورد تعرض به اراضی ملی با مساحت بیش از ۳۶ هکتار ثبت شده است. این اتفاق به قدری وحشتناک است که بعید است در هیچ جای دنیا مشابه داشته باشد. در واقع در ۱۰ روزی که خیلی از ما مشغول استراحت و گذراندن اوقات فراغت نوروزی بودیم یک عده که اسمی جز زمین خوار ندارند به جان اراضی ملی، زمین هایی که منابع طبیعی است و متعلق به همه مردم ایران ولی عده ای که جسارت و قدرتی و نفوذی دارند، می افتند به جان این ثروت های ملی. آمار دقیقی درباره این که چه مساحتی از اراضی ملی کشور تا به حال توسط زمین خواران تصرف شده و چه مقدار از این زمین ها هنوز در تصرف آنهاست در دسترس نیست ولی آماری موجود است به نقل از کمیسیون اصل ۹۰ مجلس که آمار زمین خواری در کشور عددی است بیش از ۴ هزار هکتار.



تامل برانگیز این که گفته می شود فقط مناطق خوش آب و هوا مقصد زمین خواران نیست بلکه پای زمین خوارها به استان های کویری نیز باز شده به طوری که در سال های اخیر تپه های اول در ثبت زمین خواری به استان های کویری کشور مربوط بوده است. زمین خوارها همه جا هستند و هر جا حس کنند نظارتی نیست، حضور دارند. حتی در نقاطی که به ظاهر نظم و نسقی برپاست نیز این گروه فعالند. معمولا اینها آستین زمین خواری را به نام یک طرح یا پروژه بالا می زنند و پس از این که نخستین کلنگ ها را به زمین زدند، اراضی را تغییر کاربری می دهند و پس از قطعه بندی، اراضی آنها را می فروشند و به این ترتیب میلیارد ها تومان سود می برند. اما این که چرا زمین خوارها با این آسانی و با این آسودگی برنامه های خود را پیش می برند، سوالی اساسی است که یک بار مرکز پژوهش های مجلس به آن پاسخ داده. این مرکز می گوید وزارت نیرو با تامین آب و برق، وزارت راه و شهرسازی با جاده کشی و راهسازی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با صدور سند به تخلقات و تصرفات رسمیت می بخشند طوری که اگر زمین خواری در کشور رواج یافته، باید گفت همکاری های بین دستگاهی است که به این پدیده دامن زده است.